

بی محمد (ص) چشم‌ها بارانی اند

گاه باید از مردی نوشت که خود می‌داند از دنیا می‌رود و روز و روزگاری دنیا، چشم انتظار آمدنش بود تا دایره نبوت را در افق باز چشم‌هایش، به سرانجام برساند؛ مردی که دنیا چشم انتظار او بود...



گاه باید از مردی نوشت که خود می‌داند از دنیا می‌رود و روز و روزگاری دنیا، چشم انتظار آمدنش بود تا دایره نبوت را در افق باز چشم‌هایش، به سرانجام برساند؛ مردی که دنیا چشم انتظار او بود تا مکارم اخلاق را تکمیل و بر جامعه در جهل نشسته آن روز حاکم سازد و همه بدگرا، از میان انسان‌ها نداد و همه را در مسب هدایت، استگانه تهجد، همنه، باشد. گاه هم باید از مردی نوشت که وقتی نام او بر زبان می‌آید غربت او بغض را در گلو می‌گذارد و هیچ جای سخن باقی نمی‌ماند و واژه‌ها خیس اشک می‌شود؛ چشم‌ها بارانی می‌شوند و قلب‌ها طوفانی.

گاه باید از پیامبر خاتم نبوت که رحمه للعالمین بود و دنیا و آخرت را در کنار هم قرار داد و هر دو سرا را برای رستگاری به تصویر کشید و سعادت و بهروزی را مرهون نگاه درست به هر دو جهان دانست.

گاه باید از سبط اکبر او نوشت که کریم بود و سخاوتمندی اش زبانزد همگان بود و مهتاب نیمه شب های مدینه آفتاب وجودش را هر شب در کوچه های سخاوتمندی دیده بود.

چه شب هایی که انبان به دوش راهی کوچه های مدینه می‌شد و خانه یتیمان را در می‌زد. گاه باید از مردی نوشت که علی علیه السلام پس از غسل و کفن بدن پاکش، کفن را از صورتش کنار زد و با قلبی شکسته و اندوهگین، او را مورد خطاب قرار داد و فرمود: «پدر و مادرم به فدایت! با رحلت تو، رشته نبوت و وحی الهی و اخبار آسمان ها منقطع شد. گر ما را به شکیبایی در برابر ناگواری ها دعوت نفرموده بودی، چنان در فراق تو اشک می‌ریختم که چشمه های اشک چشمانم را خشک می‌گردانیدم، حزن و اندوه ما در این مصیبت، همیشگی است، گرچه این مقدار از حزن و اندوه در مصیبت فقدان تو بسیار ناچیز است، اما چاره ای جز این نیست. پدر و مادرم به فدایت! ما را در سرای دیگر به یاد آور و در خاطر خود نگاه دار.

گاه هم باید از حسن بن علی(ع) نوشت که غیر از او کسی اینچنین نمی‌تواند از دنیا دل ببرد.

حضرتش فرمود: آنچه را که از امور دنیا طلب کردی و به دست نیاوردی، چنان انگار که به آن هرگز فکر نکرده‌ای.

آری! پیامبر منادی دعوت به خوبی ها، تعقل و خردورزی و حقیقت و راستی و درستی بود که جاهلیت را از جهالت خویش رهایی داد. باید از نامهربانی زمانه هم شکوه کرد و از تنهایی حسن بن علی نوشت و از صلح نامه ای که امضایش کرد، گفت و بر آن گریه کرد.

محمد خامه یار - جام جم